

نقدی بر جهان‌بینی‌های چهارگانه اخلاق کشاورزی بر اساس دیدگاه وندل بری

افسانه ملک‌حسینی*^۱، دکتر علی اصغر میرک‌زاده^۱، دکتر سیروس سلمان‌زاده^۲، دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد^۳
۱. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه رازی کرمانشاه
۲. گروه کشاورزی، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران تهران
۳. گروه حقوق اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تهران
(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۴، تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲)

چکیده

زمینه: علی‌رغم آنکه چندین دهه از مطرح شدن مباحث پایداری می‌گذرد، اما همچنان شاهد استفاده نادرست کشاورزان از منابع تولید، و سیاست‌های کشاورزی نامتوازن با توان محیطی و درخشان بودن واژه خودکفایی در میان سیاست‌های توسعه کشاورزی هستیم. به نظر می‌رسد تمام اهرم‌هایی که تاکنون برای رسیدن به پایداری به کار گرفته شده است، آنچنان که باید و شاید موفق نبوده‌اند. لذا امروزه دانشمندان به راهبردهای اخلاقی بیش از سایر راهبردها در رسیدن به پایداری و حل چالش‌های زیست‌محیطی امیدوار هستند. نظر به اینکه انسان و بُعد اخلاقی آن مهمترین سازه در فرایند توسعه است، و لزوم توجه به موضوع اخلاق کشاورزی، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و نقد مهمترین جهان‌بینی‌های اخلاق کشاورزی براساس دیدگاه وندل بری انجام شده است. تحلیل انتقادی جهان‌بینی‌ها در چارچوب دیدگاه وندل بری انجام شده که به‌نحو در خور توجهی مرز اخلاقی و غیراخلاقی را نشان می‌دهد و هنجارهای اخلاقی مناسب را به‌عنوان معیار مقایسه جهان‌بینی‌ها داراست.

نتیجه‌گیری: بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته جهان‌بینی تولیدگرایی و اقتصاد جریان اصلی به ساختار کشاورزی استثماری بسیار نزدیک هستند و جهان‌بینی نظارت و هولیسم به ساختار کشاورزی پرورشی گرایش دارند. همچنین این مطالعه نشان داد که هولیسم بهترین معیار برای اخذ تصمیمات در حوزه کشاورزی و محیط‌زیست است. نتایج این مطالعه می‌تواند راهگشای حل مشکلات برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران در راستای رسیدن به پایداری باشد.

کلید واژگان: اخلاق کشاورزی، جهان‌بینی، تولید، توسعه پایدار

سرآغاز

ترجیحات انسان عاملی در بهره‌برداری بیش از حد از توان طبیعت می‌باشد که امنیت غذایی را در درازمدت با چالش مواجه خواهد کرد. توسعه کشاورزی کشور و حفظ و بهبود منابع طبیعی با چالش‌های روزافزونی مواجه است. برای پاسخگویی به این چالش‌ها صاحب‌نظران راهبردهای فنی، اقتصادی، انگیزشی و حاکمیتی متنوعی ارائه داده‌اند. عدم موفقیت این راهبردها و ناتوانی آن‌ها در حل بحران‌های زیست‌محیطی، منجر به این شد که راهبردهای مبتنی بر اصول اخلاقی از مهمترین راهبردها در حل مشکلات محسوب شوند (۴). پس می‌توان نتیجه‌گیری نمود که عامل انسانی و بُعد نرم‌افزاری آن که به چگونگی رفتار یا اخلاق می‌پردازد، مهمترین سازه در فرایند توسعه است. به عبارت بهتر اخلاق و ارزش‌های اخلاقی ضلع گمشده‌ی توسعه پایدار است که حتی مهمتر از سایر ابعاد بوده و بایستی به ابعاد سه‌گانه آن اضمحله شود (۵).

امروزه شاخه‌های جدیدی در علم اخلاق پدید آمده است. یکی از شاخه‌های جدید علم اخلاق، اخلاق کشاورزی است. اخلاق کشاورزی، زیر مجموعه‌ای از اخلاق زیستی است و به دنبال تبیین چارچوب اخلاقی برای فعالیت‌های کشاورزی پیرامون مسائلی چون مصرف آفت‌کش‌ها و مواد شیمیایی، رفتار با حیوانات و جانوران در سامانه‌های کشاورزی، حقوق مصرف‌کننده، مواد غذایی تراریخته، امنیت غذایی و مسأله گرسنگی در مقیاس جهانی با توجه به قواعد و شرایط اجتماعی موجود است (۱). در حوزه کشاورزی به‌طور کلی چهار جهان‌بینی وجود دارد که زیربنای فلسفی اخلاق کشاورزی در طول تاریخ بوده است: جهان‌بینی نظارت^۱، تولیدگرایی^۲، اقتصاد جریان اصلی^۳، و هولیسم^۴ (۲). اخلاق کشاورزی حامی سیستم‌هایی از تولید است که بیشتر نیازهای انسان را برآورده می‌کنند تا ترجیحات انسان را (۳).

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: Mafsanhe@yahoo.com

کشاورزی توسعه داده شوند را به‌خوبی نشان می‌دهد. ارزش‌هایی که نه فقط سود بلکه ملاحظات اجتماعی و اکولوژیکی از جمله سلامت مصرف‌کننده و ظرفیت تحمل را نیز مورد توجه قرار داده است. هشت مشخصه‌ای که برای مقایسه دیدگاه استثماری در برابر دیدگاه پرورشی وجود دارد، بایستی متخصصین کشاورزی به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی در مباحث و فعالیت‌های حوزه‌ی کشاورزی اعمال نمایند. این دیدگاه مرز اخلاقی و بی‌اخلاقی را به‌نحو قابل توجهی مشخص می‌نماید. تجربه نشان داده است که بیشتر کشورها هم‌اکنون مطابق با دیدگاه استثماری با منابع تولید برخورد می‌نمایند. به نظر می‌رسد بیشتر متخصصین بر روی سود و کارایی متمرکز شده‌اند و متأسفانه از ارزش‌های اخلاقی که با فعالیت‌های کشاورزی عجین است، دور شده‌اند و این در حالی است که اتفاقاً هدف اصلی کشاورزی کمال محصولات^۵ نیست بلکه تهذیب و کمال موجودات انسانی است^۶ (۶).

رسالت کشاورزی پایدار زمانی به فرجام می‌رسد که ضمن تأمین امنیت غذایی، جنبه‌های اخلاقی تولید نیز رعایت گردد (۱). علی‌رغم ضرورت اخلاق کشاورزی برای حل بسیاری از چالش‌های کشاورزی و زیست‌محیطی، اما تاکنون آن‌گونه که باید و شاید به اهمیت آن پرداخته نشده است. بدین منظور این مطالعه مروری خواهد داشت بر جهان‌بینی‌های چهارگانه اخلاق کشاورزی تا به این وسیله نزدیکترین جهان‌بینی اخلاقی به مفهوم پایداری را شناسایی و به برنامه‌ریزان، مسئولین، سیاست‌مداران و سایر فعالان حوزه کشاورزی و محیط زیست معرفی نماید. به‌منظور تحلیل انتقادی جهان‌بینی‌ها از دیدگاه وندل بری استفاده شد. وی فعال محیط‌زیست، منتقد در حوزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و کشاورزی آمریکایی است. یکی از ویژگی‌های علوم نداشتن قضاوت ارزشی است، با این حال دو دیدگاه پیرامون ساختار واقعی کشاورزی وجود دارد؛ دیدگاه استثماری در برابر دیدگاه پرورشی (۶) (جدول ۱). دیدگاه پرورشی ارزش‌هایی که باید در فعالیت‌های

جدول ۱: دو دیدگاه جهانی در خصوص ساختار کشاورزی (۶)

معیار (Comparative term) (مقایسه)	View of (دیدگاه)	
	Exploiter (استثماری)	Nurturer (پرورشی)
Focus (نوع دیدگاه نسبت به کشاورزی)	Specialist (تخصص‌گرا)	Generalist (کل‌گرا)
Standard (معیار انتخاب)	Efficiency (کارایی)	Care (مراقبت)
Goal (هدف اصلی)	Money profit (پولی)	Health (سلامت)
Concern (دغدغه)	Productive capacity (ظرفیت تولیدی)	Carrying capacity (ظرفیت تحمل)
Work (میزان و نحوه‌ی انجام کار)	Little (کم)	Well (تمام و کمال)
Competence (مرجع تأیید صلاحیت)	Organization (سازمان)	Order (انجمن)
Serves (ارائه خدمات)	Institution (نهادهی)	Place (مکانی)
Thinking (بینش و تفکرات)	Quantitative (کمیت‌گرا)	Qualitative (کیفیت‌گرا)

جهان‌بینی نظرات روش‌هایی از تولید مواد غذایی سالم را توصیه می‌کند و بر این باور است که نباید هسته منابع طبیعی تخریب شود چرا که کشاورزی و تولیدات آن به وجود منابع طبیعی پایه وابسته است. بر این اساس کشاورزان خرده‌مالک محافظ‌ترین شهروندان جامعه معرفی شدند (۷). لذا می‌توان گفت که بعد سلامت و کیفیت محصولات کشاورزی در این برهه از تاریخ کشاورزی مورد توجه بوده است. به عبارت بهتر کیفیت بیشتر از کمیت مورد توجه بوده است. تولید بدون تخریب هسته منابع طبیعی نیز می‌تواند دلیلی بر استفاده از منابع طبیعی بر اساس ظرفیت تحمل باشد که دغدغه اصلی پایداری و ساختار پرورشی وندل بری است. دیدگاه‌هایی در تورات و انجیل مطرح شده که ابعاد مذهبی و اخلاقی نظرات را به‌عنوان پایه فلسفی اخلاق کشاورزی نشان می‌دهند. بر این اساس، موجودات انسانی نقش مؤثری در نظرات بر همه مخلوقات خداوند دارند. دو تفسیر اساسی بر روی نظرات انسانی وجود دارد که برگرفته از تورات است (۸). تفسیر اول این است که مطابق با رهیافت پادشاهی^۹ انسان در مقام مالکیت بر منابع طبیعی قرار دارد، به عبارت دیگر انسان ارشد موجودات دیگر بوده و دیگر موجودات مادون

انواع جهان‌بینی‌های چهارگانه اخلاق کشاورزی جهان‌بینی نظرات

به مفهوم نظرات در انجیل و تورات اشاره شده است و به‌شدت بر شیوه‌های کشاورزی آمریکا اثر گذاشته است. از دید کشاورزی، نظرات وظیفه‌ای مذهبی برای حفاظت از منابع طبیعی و یکپارچگی اکوسیستم است (۲). نظرات به مسئولیت انسان‌ها در قبال حفاظت و مدیریت منابع طبیعی برای نسل‌های آینده اشاره می‌کند. علی‌رغم نبود ابزار دخالت انسان در محیط زیستی - کشاورزی اما حفظ حقوق نسل‌های آینده و مراقبت از منابع طبیعی از ویژگی‌های این جهان‌بینی است که آن را به ساختار پرورشی وندل بری نزدیک‌تر می‌سازد. نظرات مشتمل بر عملکردهای زیرکانه‌ی استفاده، صرفه‌جویی و محافظت منابع طبیعی می‌باشد. در گذشته زارعین بعد از برداشت محصول، زمین‌های خویش را قله^۷ (شخم کردن) می‌کردند تا برگ‌ها، ساقه و ریشه‌های نباتات با خاک مخلوط شود (کار در خاک^۸). پس می‌توان دریافت که به‌جهت وابسته بودن حیات و زندگی زراع به زمین، کشاورزان اهمیت حفاظت خاک را به‌خوبی درک کردند.

کشاورزی است، لذا افزایش تولید به‌عنوان ارزش در کشاورزی مطرح شد. کشاورزی آمریکا در ۱۰۰ سال پیش کارکردهای متنوع اجتماعی- فرهنگی داشت که مهمتر از تولید غذا بود. در اواخر قرن ۱۹ مکانیزاسیون به جامعه روستایی انتقال پیدا کرد و کشاورزی آمریکا صنعتی شد، تولید از ارزش‌های متنوع فرهنگی خارج و مکانیزاسیون موجب تغییر ارزش‌ها و مانعی در برابر آن‌ها شد. علاوه بر مکانیزاسیون دیدگاه‌های مذهبی از جمله اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری نیز در تکامل تولید به‌عنوان ارزش اخلاقی در کشاورزی نقش داشتند (۲). سرمایه‌داری وارث آیین‌های کالونی یعنی وارث زهدی بود که کار را به عبادت تبدیل می‌کرد. بر خلاف کاتولیک‌ها، پروتستان زهد و تقوی را در حمایت خود انسان و نفس او می‌دیدند و بر اثر همین اعتقاد از افراط در جلب لذات خودداری می‌کردند و از این طریق در رشد سرمایه‌داری مؤثر بودند (۱۴ و ۱۵). به عبارت دیگر تولید و کار اسباب رستگاری فرد بودند. گرچه ظرفیت زیستی محدود خاک، گیاهان، و حیوانات در اثر تولید تحت فشار قرار می‌گرفت اما مانع تولید شدن، ناسپاسی و امتناع از موهبت خدا بود (۱۱).

نظریه اخلاقی فایده‌گرایی^{۱۱} نیز در اهمیت زیاد به تولید نقش داشته است. این نظریه زیر مجموعه نظریه‌های پیامدگرایانه بوده (۱۶) و تنها معیار الزام اخلاقی را در اصل سود^{۱۲} می‌داند (۱۷). در محاسبه سود علاوه بر سود انسان‌ها باید تمامی جانداران و حیوانات ذی‌شعور تحت تأثیر را مورد ملاحظه قرار داد (۱۸). در اخلاق کشاورزی نظریه فایده‌گرایی مرتبط است با چالش‌های رفتاری کشاورزان، به‌کارگیری فناوری‌ها و نهاده‌های مختلف و یا عوامل انسانی که در این موارد مؤثر هستند. از تأکیدهای این مکتب فکری "بهره‌وری" و مصرف بهینه نهاده‌ها برای افزایش تولید است. از دید این نظریه، رفتاری اخلاقی است که بیشترین فایده و کمترین هزینه (خسارت) را در پی داشته باشد و حقی رسمیت دارد که مطلوبیت اجتماعی را حداکثر نماید و منافع نسل‌های آینده اهمیتی ندارد. به بیان دیگر با ارائه معیار کارایی پارتو مبنای تصمیم‌گیری‌ها فقط اقتصادی بوده که حاصل آن اثرات جانبی منفی زیست‌محیطی، توسعه ناپایدار، تضییع حقوق و ارزش‌های انسانی است (۴).

پذیرش این پارادایم توسط متخصصین کشاورزی باعث توجه زیاد به افزایش تولید و در نتیجه به‌کارگیری همه‌ی عناصر و تکنولوژی مدرن در افزایش تولید شد (۶). نقطه قوت اصلی تولیدگرایی در تأمین غذا قابل دسترس و فراوان و تنوع آن است، لذا ارجحیت کمیت تولید بر کیفیت و غفلت از سلامت محصولات کشاورزی قابل استنباط است. این پارادایم میزان دستکاری انسان در طبیعت و تسلط بر آن را مشخص نکرده است. مهم‌ترین نقطه ضعف آن در استخراج منابع طبیعی محدود بجای احیا است که به‌شدت به تنوع گیاهی و جانوری اکوسیستم خسارت وارد می‌کند. افزایش تولید به‌عنوان ملاک اخلاقی باعث شد کشاورزان بیشتر بر اساس ظرفیت تولیدی منابع عمل نمایند تا ظرفیت تحمل، کم‌اینکه

انسان هستند (۹). بر اساس این رهیافت، طبیعت و موجودات غیرانسانی به‌عنوان اجزاء بی‌جانی هستند که فقط برای تولید ارزشمندند، لذا جهان‌بینی نظارت در ارزش‌گذاری ذاتی طبیعت ناتوان است.

تفسیر دوم به انسان‌ها می‌آموزد تا بر موجودات زنده‌ی روی زمین حکومت داشته باشند. حکومت به معنی استثمار نیست، بلکه تمرین و مراقبتی است که بر اساس یک مجموعه قوانین اخلاقی و طبیعی عمل می‌کند. به این معنی که انسان‌ها باید به تمام مخلوقات خداوند احترام بگذارند (۱۰) اما این دیدگاه موجودات انسانی را از دنیای طبیعی جدا می‌کند (۸) و بعد حیاتی وابستگی زندگی انسان به اجزاء تحت نظارت خود را مختل کرده است. انتقادهای زیادی به مدل نظارت وارد است که اساس آن در اعتقاد به ارشد مخلوقات بودن انسان است که در نهایت مانع از یکپارچگی طبیعت می‌شود. مهم‌ترین نقطه ضعف جهان‌بینی نظارت در عدم در نظر گرفتن وابستگی درونی بین اکوسیستم و سیستم اجتماعی است که نشان از نداشتن دید سیستمی^{۱۰} است که آن را از ساختار پرورشی وندل بری دور می‌سازد و در درازمدت سبب به خطر افتادن سایر ویژگی‌های مثبت آن می‌شود. اما در مجموع این جهان‌بینی با معیارهای دیدگاه پرورشی مطابقت بیشتری دارد. همچنین کار در این مقطع به‌علت نبود تکنولوژی و ماشین‌آلات کشاورزی توسط نیروی کار و با کمترین صدمه انجام شده است. فلسفه نظارت با روح کشاورزی صنعتی امروزی ناسازگار است و باید به‌دنبال رهیافتی سازگارتر با کشاورزی امروزی باشیم (۱۱). نقطه قوت دیدگاه نظارت در عقیده‌ی مذهبی آن است که مخلوقات و بنابراین منابع طبیعی را از آن خدا می‌داند و در نتیجه انسان را در قبال حفاظت از آن مسئول و متعهد می‌کند (۲). در ادیان الهی نیز به این موضوع توجه شده است. خداوند در تورات برای هر یک از موجودات حقی قائل شده و حق مالکیت طبیعت را به انسان داده ولی هیچ‌گونه مجوزی برای تخریب، سوءاستفاده و تجاوز به طبیعت برای انسان صادر نشده است. در دین اسلام نیز حقوق اجتماعی اهمیت بیشتری نسبت به حقوق فردی دارد و اسراف به معنای استفاده بی‌رویه و تجاوز به حقوق مخلوقات و سایر انسان‌ها نکوهیده است (۱۲).

بر اساس این جهان‌بینی تعدد جوامع بشری از نظر کمیت و تنوع ایدئولوژیکی و فرهنگی کمتر مورد توجه بوده و گویی دیدگاه نظارت بیشتر مبتنی بر آموزه‌های ادیان مختلف است. در این خصوص این سؤال مطرح است که آیا تمامی کشاورزان پیرو ادیان الهی مطرح می‌باشد؟ در این مورد می‌توان ادعان داشت که گرچه به‌واسطه بنیان‌های ادیان الهی که حق حیات را برای تمام گونه‌های جانوران محترم شمرده‌اند به‌کارگیری اصول اخلاق کشاورزی در جوامع پیرو این ادیان محتمل‌تر است ولی نمی‌توان این مسأله را در سایر جوامع انکار کرد.

تولیدگرایی

تولیدگرایی "فلسفه‌ای" است که بر اساس آن تولید تنها هنجار برای ارزیابی اخلاق کشاورزی است (۱۱). با توجه به اینکه تولید هدف اصلی

تأثیرات این اقدامات نسنجیده در کشاورزی را امروزه با بحران‌های مختلف زیست‌محیطی شاهد هستیم (۲).

مطابق با تحلیل‌های اجتماعی-تاریخی، اثرات این جهان‌بینی در آمریکا موجب ظهور الگوهای استعماری و سلب مالکیت اکولوژی انسانی از مردم بومی شده، و تغییراتی در اکوسیستم بومی به واسطه سیستم جدید مالکیت پدیدار شد. به دنبال مشکلات فرهنگی و اکولوژیکی افزایش یافته در کشاورزی آمریکا، تولیدگرایی که به استثمار نامتعادل طبیعت^۳ معروف شد (۱۹) به شدت مورد تشکیک قرار گرفت. تولیدگرایی راهنمای اخلاقی خوبی برای کشاورزی در محاسبه ریسک‌ها و اثرات منفی نبوده و تخریب منابع طبیعی، شکست عادات اکوسیستم، کاهش جوامع روستایی و متمرکز کردن مالکیت و قدرت در دست اغنیا پیامد آن بود. به نظر می‌رسد تولیدگرایی با کشاورزی صنعتی سازگارتر و هیچ‌گونه تناسبی با کشاورزی متعارف ندارد (۲). با تفاسیر بیان شده ماهیت تقریباً استثماری جهان‌بینی تولیدگرایی غیرقابل انکار است. در این دوره با توجه به بکر بودن طبیعت، فراوانی منابع تولید و نبود نشانه‌ای از بحران‌های زیست‌محیطی مقوله مراقبت کمتر مورد توجه بوده که در غیر این‌صورت امروز دنیا بحران‌های زیست‌محیطی و بیماری‌های مختلف را تجربه نمی‌کرد. به قول لئوپولد در این مقطع به واسطه افزایش قدرت استخراج منابع تولید، کاهش بهره‌وری منابع تولید دیده نشد که اگر مشخص می‌شد، امروز در برهه‌ای که سونامی سرطان واقعیت دارد و مسئولین هم به عمق قضیه پی برده‌اند، تولید بدون سم و کود بهره‌وری لازم را داشت و امنیت غذایی تبدیل به دغدغه اصلی مسئولین نمی‌شد. به نظر می‌رسد شروع فعالیت بنگاه‌ها و مؤسسات مختلف به جامعه روستایی که افزایش تولید را بیش از پیش بسط دادند، در این دوره بوده باشد. همچنین صلاحیت کار را سازمان‌های مختلف تشخیص داده و به تدریج دانش بومی کشاورز نادیده گرفته شد به نحوی که در طی دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ کسی جرأت استفاده از دانش بومی را نداشت؛ زیرا آن را به عنوان روش‌های سنتی عقب‌افتاده، تلقی می‌کردند (۲۰). در این جهان‌بینی میزان کار کم و از طرفی فشار بر منابع تولید به واسطه مکانیزاسیون حداکثر بوده است. به علاوه نبود دید سیستمی و عدم وابستگی درونی بین اکوسیستم و سیستم اجتماعی در این جهان‌بینی نیز حضور پررنگی دارد.

اقتصاد جریان اصلی یا متداول

انقلاب تکنولوژیکی پس از جنگ جهانی دوم جهان‌بینی پیچیده‌تری از تولیدگرایی را به عنوان فلسفه غالب کشاورزی به وجود آورد (۲۱). به واسطه وجود جهان‌بینی اقتصاد جریان اصلی، کشاورزی شکل تجاری^۴ به خود گرفت. به این ترتیب کشاورزی که در گذشته یک شیوه زندگی بود به کسب و کار درآمدزا تغییر شکل یافت و از سلامت مصرف‌کننده غفلت شد. عرضه و تقاضا از آثار این جهان‌بینی است. پس از جنگ جهانی دوم، کشاورزی آمریکا از مفهوم میل از "انسان اقتصادی" (انسان دارای انگیزه شخصی به بیشینه‌سازی ثروت) تأثیر پذیرفت. وی قائل بود علوم اخلاقی نسبت به علوم طبیعی عقب مانده‌اند، و اقتصاد را زیرمجموعه علوم فیزیکی و فقط به واقعیت‌ها مرتبط

می‌دانست (۲۲). ایده انسان اقتصادی، مدلی را ایجاد کرد که رفتار بیشینه‌سازی ثروت را فارغ از ملاحظات اجتماعی و اکولوژیکی به عنوان هنجار در مرکز ثقل خود داشت و توانست بر روی فرضیات اخلاقی این جهان‌بینی نیز تأثیر بگذارد (۲۳).

دو شکل اصولی از جهان‌بینی اقتصاد جریان اصلی وجود دارد که سؤالات اخلاقی مربوط به کشاورزی از آن‌ها نشأت می‌گیرد. اولین دیدگاه اقتصاد مثبت یا اثبات‌گرا است. اقتصاد اثباتی یک تئوری از رفتار عقلانی و منطقی انسان است که به دنبال این است که مردم چگونه تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند (۱۱). طرفداران اقتصاد جریان اصلی از علوم اثبات‌گرا و تئوری‌های اقتصادی برای پیش‌بینی چگونگی بهره‌برداری کشاورزان و متخصصین کشاورزی از نیروی کار، زمین و دیگر منابع محدود بهره گرفتند. فرض اخلاقی این است که به لحاظ اقتصادی رفتاری عقلایی و منطقی است که به افزایش رضایت یعنی کسب سود منجر شود. بنابراین انتخاب‌های اخلاقی باید مزایای اقتصادی روشنی داشته باشند، در غیر این صورت انسان چنین انتخاب‌هایی نخواهد داشت. دومین شکل از اقتصاد جریان اصلی که در اخلاقیات کشاورزی تأثیر گذاشته، مبتنی بر کارایی تخصیصی است. سؤالی که در کارایی تخصیصی مطرح می‌شود با اخلاق سودمندگرایی مشابه است. زمانی که یک مقدار ثابت از منابع وجود دارد، چه روشی منجر می‌شود تا از این منابع برای افراد بیشتری تولید کنیم. بر طبق اقتصاد کلاسیک این سؤال توسط اقتصاد بازار آزاد بهتر پاسخ داده می‌شود، که بر پایه قانون‌های طبیعی عرضه و تقاضا است که سبب تخصیص در تولید، تعیین قیمت توسط بازار و تصحیح رفتارهای غیراقتصادی در جامعه خواهد شد. تخصیص منابع بر اساس نوع استفاده از آن‌ها کاربرد اخلاقی و هنجاری کارایی را نشان می‌دهد. کارایی تخصیصی یعنی هدایت منابع به سوی مصارفی با بیشترین بهره‌وری (۲۴).

مهمترین فرض اخلاقی هنجار کارایی این است که «بزرگتر بهتر است». کارایی بیشتر بر اساس تولید نیروی کار اندازه‌گیری می‌شود. در کشاورزی به این معنی است که روش‌های با سرمایه و انرژی بیشتر، به دلیل نیاز به نیروی کار کمتر، پرارتر هستند بدون توجه به پیامدها، که شامل از بین رفتن تدریجی بهره‌وری و نیروهای مولد خاک با فشار زیاد بر زمین می‌باشد (۲۳).

زمانی که براساس اقتصادهای اثبات‌گرا به تعیین نوع آفت‌کش می‌پردازیم، کشاورز می‌تواند سوگیری داشته باشد و این امر می‌تواند نتیجه‌ی توجه ناکافی به پتانسیل خطرناک این سوگیری برای سلامتی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان باشد. اقتصاد اثباتی به‌طور معمول به دنبال پیامدهای پیش‌بینی شده‌ی محصول است و به حقوق اخلاقی، رضایت اشخاص و همچنین مسئولیت‌های اخلاقی انسان‌ها در برابر موجودات غیرانسانی توجهی ندارد و نوعی تصمیم‌گیری پیامدگرا و پایان‌نگر را ترویج می‌کند. به بحث کارایی نیز چنین انتقاداتی وارد است، لذا بخشی‌نگری و نبود دید سیستمی در توجه به ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار کشاورزی از پرداختن بیش از حد این جهان‌بینی به مقوله اقتصادی استنباط می‌شود. کارایی دیدی تکنیکی دارد، در نتیجه در

هولیسیم دارد که برگرفته از نظریه اسمات در مورد هولیسیم است (۲۸). در نظریه اسمات، ساختار جهانی زندگی به وسیله ارتباطاتی که کل نامیده می شود شکل گرفته است. سیوری علت ریشه‌ای خسارت زیست‌محیطی را در مدیریت براساس اهداف کوتاه‌مدت و تفکر بخشی‌نگری می‌داند که در حفاظت از سلامت جامعه انسانی و محیط‌زیست طبیعی که با هم و به‌عنوان یک کل مطرح هستند، موفق عمل نمی‌کند.

مدیریت منابع طبیعی باید بر پایه پیچیدگی اکوسیستم و در نظر گرفتن کل آن باشد (۲۹). هولیسیم زمانی در مدیریت منابع طبیعی و کشاورزی به اجرا درمی‌آید که انسان، زمین و سرمایه‌ها به‌عنوان یک کل و نه به‌صورت بخش‌های جداگانه در نظر گرفته شوند، به‌عبارت دیگر پایداری توأم و متعادل اجتماعی، زیست‌محیطی، و اقتصادی است که می‌تواند مانع پیشرفت بحران‌های زیست‌محیطی شود و امنیت غذایی را تضمین نماید. یعنی کشاورز در هر تصمیم، انتخاب و فعالیتی باید همزمان به ابعاد سه‌گانه بیاورد. در سطح کلان تصمیم‌گیری نیز همین رویه باید صورت گیرد. در سیستم‌های کشاورزی متعارف، تصمیمات بیشتر بر اساس نیازهای کوتاه‌مدت و در زمان وقوع بحران اتخاذ می‌شوند، در حالی که مطابق با هولیسیم تصمیمات باید بر اساس اهداف ارزش‌محور و چشم‌انداز بلندمدت اتخاذ و پیش‌بینی مشکلات قبل از وقوع صورت گیرد. فلسفه هولیسیم متناسب با کشاورزی پایدار است. کشاورزی پایدار به‌لحاظ فلسفی نیازمند مدیریت جامع و در نظر گرفتن انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، مزارع و کشاورزی به‌عنوان یک کل است که بخشی از سیستم اقتصادی، اجتماعی، و بیولوژیکی هستند (دیدگاه جامع یا اکولوژیکی) (۳۰). کشاورزی امروزی بیشتر مستعد کشف الگوهای جامع مدیریت منابع از سیستم‌های طبیعی است که می‌تواند نیازهای مخرب کشاورزی صنعتی و کشاورزی متعارف را تغییر دهد (۳۱) چون اکوسیستم طبیعی از الگو پایدار تبعیت می‌کند. مهمترین نقطه قوت هولیسیم در دید جامع آن نهفته است. بر اساس هولیسیم محیط‌زیست انسانی و طبیعی دارای وابستگی درونی هستند، لذا هر تصمیمی باید بر اساس پیامدهای طولانی‌مدت آن بر روی منابع اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد. ضعیف‌ترین بُعد هولیسیم در روش بررسی اخلاقی آن است که به‌خوبی کاربرد آن تعریف نشده است (۲). نمی‌توان گفت این جهان‌بینی مخالف تکنولوژی و یا سود است، بلکه هر مقوله‌ای چنانچه اعتدال عناصر سه‌گانه توسعه پایدار کشاورزی را حفظ نماید و منجر به توسعه یک بخش نشده و همه‌ی بخش‌ها را با هم ببیند، استفاده از آن اخلاقی است. لذا جهان‌بینی هولیسیم چیزی بین ساختار پرورشی و استثماری وندل بری است یعنی هم مراقبت از منابع طبیعی را در نظر دارد و هم کارایی را دنبال می‌کند. در عین حال که سلامت مصرف‌کنندگان را مهم شمرده اما کسب سود از فعالیت کشاورزی را نیز مهم می‌داند. ساختار پرورشی امروزه کاربرد زیادی نخواهد داشت چون بیشتر بر توسعه پایدار زیست‌محیطی و بُعد کیفی توسعه تأکید نموده است و این در حالی است که بُعد کمی توسعه نیز

توجه به ارزش‌های رایج در تحلیل اخلاقی ناتوان است. فعالیتی مثل پرورش گاوپروری در گاوداری تجاری در کوتاه‌مدت به‌لحاظ اقتصادی سودمند و کارا است به این علت که در تحلیل هزینه-فایده، هزینه‌های اجتماعی و اکولوژیکی که در طولانی‌مدت به وجود می‌آید را در نظر نمی‌گیرد (۲۵). کمالیکه صنعت گاوداری بسیار بیشتر از سوخت‌های فسیلی در افزایش گازهای گلخانه‌ای نقش دارند اما مافیای این صنعت هرگز به هزینه‌های زیست‌محیطی توجه نمی‌کنند (۲۶).

بی‌توجهی به بعضی ویژگی‌های کشاورزی (در نظر گرفتن آن‌ها به‌عنوان عامل بیرونی) از جمله سرمایه‌های اکولوژیکی و اجتماعی که نمی‌توانند به‌راحتی در معادله تجربی به‌صورت کمی بیان شوند، از مهمترین نقاط ضعف این جهان‌بینی است. تصمیمات براساس شاخص‌های استاندارد که قابلیت شمارش و پیش‌گویی (برابری) (۱۵) دارند، اتخاذ می‌شوند. برابری، روشی برای دورانداختن اطلاعات به‌منظور تصمیم‌گیری راحت‌تر با صرف نظر کردن از ابعادی است که نمی‌توانند به‌صورت کمی وارد معادله شوند (۲۵). مطرح شدن دغدغه‌ها و مسائلی از جمله حفاظت از محیط‌زیست، سلامت انسان، مزارع خانوادگی، و کاهش اثرات نامطلوب تکنولوژی نشانه‌ای از نواقص تئوری‌های اقتصاد جریان اصلی است. این جهان‌بینی ارتباطات پیچیده بین اکولوژی‌های اجتماعی و طبیعی را نادیده گرفته و کارایی را با وجود عدم جامعیت آن در موقعیت‌های پیچیده به‌عنوان معیار فعل اخلاقی در کشاورزی رواج و کمیت تولید را مهمتر از کیفیت نشان داد. در مجموع با توجه به اینکه کارایی از عناصر مورد توجه در دیدگاه استثماری وندل بری و مرکز ثقل این جهان‌بینی است، بنابراین انطباق آن با دیدگاه استثماری و فاصله آن از پایداری مشخص است.

هولیسیم

هولیسیم آخرین جهان‌بینی اخلاق کشاورزی و نظریه‌ای فلسفه‌ای است که براساس آن «کل»، جمع ساده اجزای تشکیل‌دهنده آن نیست، بلکه چیزی بیش از آن است. هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده یک کل، از هنگامی که در آن کل قرار می‌گیرند، وضعیت پیشین خود را از دست داده و به واقعیت جدیدی تبدیل می‌شوند که واقعیت آن کل است. زیرا در «کل» معادله جدیدی از زیست را می‌پذیرند که از مجموعه آن کل ملهم می‌شود. هرچند آن معادله قوانین خود را از اجزای تشکیل‌دهنده‌اش می‌گیرد، اما امر قرار گرفتن چند جزء در کنار هم در یک کل، سازمانی از روابط را پدید می‌آورد که کارکرد پیشین هر یک از اجزا را متحول می‌کند. در نتیجه قانون کل برتر از قوانین هر یک از اجزاست (۲۷). از خصوصیات جهان‌بینی هولیسیم داشتن دید سیستمی و همه‌جانبه آن است که از ویژگی‌های دیدگاه پرورشی است. بر اساس این جهان‌بینی اکوسیستم نباید به‌عنوان ابزار برای زنده ماندن انسان (ارزش ابزاری) ارزیابی شود، بلکه باید به خودی خود ارزش داشته باشد (ارزش ذاتی) (۱۱). کشاورزی براساس هولیسیم زمانی به‌لحاظ اخلاقی درست است که در راستای حفاظت از تمامیت، پایداری و زیبایی جامعه حیاتی باشد (۱۳). تجارب آن سیوری در مدیریت منابع طبیعی ریشه در

واژه نامه

1. Stewardship	نظارت
2. Producti	تولیدگرایی
3. Mainstream economics	اقتصاد جریان اصلی
4. Holism	هولیسیم
5. Perfection of crops	کمال محصولات
6. Cultivation and perfection of human beings	تهذیب و کمال موجودات انسانی
7. Plow	قلبه
8. Tillage	کار در خاک
9. Kingship	پادشاهی
10. Systems thinking	دید سیستمی
11. Utilitarianism	فایده گرایی
12. Principle of utility	اصل سود
13. Unparalleled exploitation of nature	استثمار نامتعادل طبیعت
14. Agri-business	کشاورزی تجاری
15. Commensuration	برابر سازی

References

1. Mahdavi Damghani A, Minauddini SSh. (2011). Food security and bioethics in sustainable agriculture. *Journal of Science and Technology*; 6(2): 7-1. (In Persian).
2. Birkenfeld DL. (2002). From colonization to holism: reconstructing an ethical method for U.S. agricultural Eethics [Ph.D thesis]. California: University of Berkeley Pp.1,251.
3. Boyd F. (2005). The search for an agricultural ethic [Ph.D thesis]. Canada: University of Guelph. Pp. 1,254.
4. Zamani GHH. (2015). Human responsibility theory: An ethical approach to agriculture and the environment. *Iranian Academy of Agricultural Extension and Education*; 12(1): 149-163. (In Persian).
5. Abbaszadeh Tehrani N. (2016). Lost side of morality in the sustainable development triangle. *Journal of Ethics in Science and Technology*; 11 (1): 10-1. (In Persian).
6. Zimdard RL. (1998). Rethinking agricultural research roles. *Agriculture and Human Values*; 15(1). 9-78.
7. Montmarquet JA. (1985). Philosophical foundations of agrarianism. *Agriculture and Human Values*; 2 (2): 5-14.
8. Johnson EA. (1993). Women, earth and creator spirit. New York: Paulist Press. P.79
9. Reichenbach, BR, V. Elving Anderson. (1995). On behalf of god: A christian ethics o f biology. grand rapids, MI: William Eerdmans Publishing Company.

اهمیت دارد و این دو باید همزمان مورد توجه قرار گیرند. واقعیت این است که دیدگاه پرورشی بسیار آرمانی (مدینه‌ی فاضله) است و با جمعیت در حال افزایش دنیا و ساختار کشاورزی موجود تناسب چندانی ندارد.

نتیجه گیری

سیر تاریخی انواع جهان‌بینی‌های اخلاق کشاورزی نشان می‌دهد که ابتدا طبیعت بر انسان سلطه داشته و انسان سازگار با طبیعت و حافظ آن بوده است. به تدریج مکانیزاسیون، دیدگاه‌های مذهبی و پیشرفت تکنولوژی منجر به دخالت بیشتر انسان در طبیعت و افزایش بهره‌برداری از منابع شد (۲). از آنجایی که به مدد تکنولوژی قدرت بهره‌برداری از منابع تولید بیشتر شده بود، لذا بهره‌برداران و مسئولین متوجه کاهش منابع تولید نبودند. در این میان تئوری‌های اقتصادی نیز از مباحث اخلاق فاصله گرفتند و رفتاری را عقلایی و منطقی می‌دانستند که به افزایش رضایت (کسب سود) منجر شود. به تدریج افزایش تولید به عنوان ارزش در بین کشاورزان پدیدار شد و تمام پیشرفت‌های تکنولوژی و علمی به سمت افزایش بهره‌برداری از منابع تولید به بهانه خودکفایی و تأمین امنیت غذایی پیش رفت. در اواخر دهه ۸۰، جهان با برخی بحران‌های زیست‌محیطی مواجه شد که نتیجه‌ی رویکرد افزایش تولید بود. به این ترتیب مباحث پایداری در میان سیاست‌های توسعه کشاورزی جای خود را باز نمود اما علی‌رغم توجه به آن باطمینان می‌توان گفت که رویکرد کلی کشاورزی مبتنی بر تولیدگرایی است که تا این موضوع اصلاح نشود، توسعه پایدار کشاورزی تقریباً غیرممکن خواهد بود چرا که ذات تولیدگرایی با شیوه‌های امروزی در تناقض با پایداری است. از آنجایی که مباحث پایداری با هولیسیم هم‌پوشانی دارد و با توجه به ناکام ماندن راهبردهای مختلف برای رسیدن به پایداری، لذا صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند که بنیان‌های فرهنگی و به‌ویژه اخلاق است که می‌تواند مانع پیشرفت بحران‌های زیست‌محیطی شود. بنابراین کاربرد کردن این جهان‌بینی در سیاست‌گذاری کشاورزی و محیط‌زیست توصیه می‌شود. موفقیت این دیدگاه در تبیین ملاحظات اخلاقی، مستلزم هماهنگی نهادی، سیاسی، سازمانی، فرهنگی و بلوغ فکری تأثیرگذارترین عناصر انسانی در سیستم تولید کشاورزی در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است. از طرفی این هماهنگی نیازمند فعالیت‌های بنیادی در توسعه انسانی و پرورش مهارت‌های فردی و اجتماعی در اشکال تفکر جمعی، کار گروهی، مدیریت تضاد و تعارض و ... می‌باشد که در حال حاضر مشکل اساسی حتی پیشرفته‌ترین کشورهای جهان است.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار، محترم شمرده شده است.

21. Cochrane WW. (1993). the development of American agriculture: A historical analysis. 2nd Edition. USA: Minneapolis: University of Minnesota Press. Pp. 49,122.
22. Mostafavi SMH. (2009). Economics, development and ethics. Yas Strategy Magazine; 22: 286-306. (In Persian).
23. Johnston C. (1998). The wealth or health of nations: Transforming capitalism from within. Cleveland: The Pilgrim Press. P. 49.
24. Mohammadzadeh KA. (2013). Technical and allocative efficiency. Available at: URL. <http://mehr1345.blogfa.com/post/148>. Accessed: January 10, 2018. (In Persian).
25. Andersen K, Kuhn K. (2014). Cowspiracy: The sustainability secret. Available at: <http://torrentking.eu/movie-2014/cowspiracy-the-sustainability-secret-torrents/>. Accessed: October 10, 2016.
26. Evans JH. (2000). A sociological account of the growth of principlism. Hastings Center Report; 30(5). P.32.
27. Afagh H. (2008). Modernity that came to us. Comprehensive Human Sciences Portal. Available at: URL. <http://www.ensani.ir/fa/content/10954/default.aspx>. Accessed: January 14, 2017. (In Persian).
28. Smuts JCh. (1973). Holism and evolution. Westport, CT: Greenwood Press.
29. Savory A. (1999). With jody butterfield. holistic management: A new framework for decision making. Covelo, CA: Island Press. P.4
30. Matheson N, Oien D, Kurki A. (1991). Still learning to farm: Agricultural research and extension in the 1980s. In: Charles V. Blatz, (ed.) ethics and agriculture: An anthology on current issues in world context. Moscow, ID: University of Idaho Press.
31. Jackson W. (1994). Becoming native to this place. Lexington: The University of Kentucky Press.
10. Pfiefer BM. (2000). The church and the crisis in rural America” a pastoral message. San Angelo: TX: The West Texas Angelus.
11. Thompson PB. (1995). The spirit of the soil: agriculture and environmental ethics. New York: Routledge Publication.
12. Hosseini SM. (2015). The emphasis of different religions on the preservation of natural resources. Students News Agency (ISNA). Available at: URL. <http://zanjan.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=59782>. Accessed: September 14, 2017. (In Persian).
13. Leopold A. (1966). A Sand county almanac (New York: Oxford University Press. P. 262.
14. Sepehri F. (2011). Prophetic ethics. Max Weber's Capitalism. Pp. 20-23. (In Persian).
15. Eber M. (1992). The protestant ethic and the spirit of capitalism, trans. by Talcott Parsons. New York: Routledge Press. P.115.
16. Hosseini Soraki SM. (2011). Reviewing and criticizing moral utilitarianism. Philosophical-Theological Research; 12(3): 87-126. (In Persian).
17. Shariati Najafabadi E. (2014). Positive & Normative Economics. Available at: URL. <http://pajoohe.ir/Economics-Positive-and-Economics-Guidance-Positive-Normative-Economic-a-30581.aspx>. Accessed: September 14, 2017. (In Persian).
18. Hosseini SM. (2014). Moral utilitarianism. Baqer al-ulum Research Center. Available at: URL. <http://pajoohe.net/25513/index.php?Page=definition&UID=27117>. Accessed: September 14, 2017. (In Persian).
19. Merchant C. (1980). The death of nature: women, ecology and the scientific revolution. San Francisco: Harper Collins.
20. Bozargemhari KH. (2003). The place of indigenous knowledge in sustainable rural development. Journal of Geography and Development; 1(2): 5-20. (In Persian).